



جایگاه اعتصاب شرکت واحد در روند تکامل جنبش کارگری

در روند تکاملی هر جنبش اجتماعی، لحظاتی وجود دارند که تعیین کننده و ماندگار اند. اهمیت این لحظات نه الزاما در آن است که خواست های مشخصی برآورده شده و پیروزی حرکت اعتراضی مشخصی به ثبت رسیده باشد، بلکه از اینرو است که در بطن شرایط مشخص و توازن قوای معین، راه رسیدن به مراحل عالی تری از مبارزه را هموار می کنند و آغاز مرحله جدیدی را نوید می دهند.

تظاهرات دانشجویی هجده تیر چنین نقطه عطفی در مبارزات دانشجویان علیه جمهوری اسلامی بود. این تظاهرات سرکوب شد، اما تأثیرات و نتایج آن در محدوده جنبش دانشجویی محصور نماند، بلکه فضای جامعه را تحت تأثیر قرار داد. اعتصاب کارگران شرکت واحد تهران و حومه که روز یکشنبه چهار دیماه برگزار شد، چنین نقطه عطفی در روند بالنده جنبش کارگری است: جنبشی که آهسته آهسته می رود تا حضور سازمان یافته اش را در جامعه اعلام کند.

اعتصاب، در پی دستگیری هیات مدیره و رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه، و با خواست آزادی فوری دستگیرشدگان برگزار شد. کارگران شرکت واحد پس از طی پروسه ای از تلاش و مبارزه سرانجام موفق شدند سندیکای مستقل خود را تشکیل دهند. این سندیکا که از دید قانون کار جمهوری اسلامی غیر قانونی، و خار چشم مزدوران خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار است که منفور کارگرانند و نفس های آخر را می کشند، مورد حمایت اکثریت عظیم کارگران شرکت واحد قرار گرفت. چندی پیش مزدوران خانه کارگر به تجمع کارگران حمله کردند

در صفحه ۲

دفاع از حقوق کارگران یک وظیفه است

در این شماره

چهارمین سمپوزیوم بین المللی

- ۷ علیه زندان های انفرادی
- ۲ اخباری از ایران
- ۴ اخبار کارگری جهان
- خلاصه ای از اطلاعاتی ها
- ۶ و بیانیه های سازمان

یکه تازی حزب بی نام و نشان رئیس جمهور

نسبت به نحوه تقسیم قدرت و غنای حاصله از این پیروزی، خود را مغبون شده احساس می کنند. این ها نارضایتی خویش را از وضعیت حاصله پنهان نمی کنند و گاه اعتراضات و انتقادات تند و آشکاری را نیز نسبت به عزل و نصب های رئیس جمهور که آن را اقدامی "بی سابقه" نامیده اند، مطرح کرده و می کنند. "حزب نامرئی" مورد حمایت ولایت فقیه آقای در صفحه ۳

رقبای محمود احمدی نژاد، هفت ماه پس از انتخاب وی به عنوان رئیس جمهوری اسلامی هنوز هم نتوانسته اند وی و جریان اصلی و به تعبیری "حزب نامرئی" حامی وی را از یکه تازی بازدارند.

نه تنها گروه های رنگارنگ رسوا شده موسوم به اصلاح طلب، بلکه بسیاری از کسان دیگر که وی را برای تسلط بر قوه مجریه مورد حمایت قرار داده و زمینه پیروزی وی را فراهم ساختند،

آکسیون های تشکیلات خارج کشور سازمان در حمایت از مبارزات کارگران شرکت واحد

دستگاهی که سر تا پا غرق در فساد است

در طول چند هفته اخیر، دستگاه قضائی حکومت اسلامی، روزنامه ها و سایت های خبری رژیم، بر سر مسئله مبارزه با مفاسد اقتصادی و فساد دستگاه دولتی، جارو جنجال تبلیغاتی به راه انداخته اند. سرپرست مجمع قضائی اعلام کرد که در مجمع قضائی امور اقتصادی با قطعیت یافتن احکام ۷۰ مورد از مجموع ۷۰۲ پرونده، مبلغی بالغ بر یک تریلیون و ۳۸ میلیارد و ۸۱۹ میلیون تومان به خزانه دولت بازگردانده شد و متهمان پرونده نیز به تناسب اتهام شان مجازات شدند. وی افزود: "در پرونده های قطعی شده، پرونده های چند میلیارد دلاری نیز وجود داشته است."

ارقام اعلام شده نجومی است. صحبت از میلیاردها و یک تریلیون تومان است. حتا از پرونده چند میلیارد دلاری سخن به میان آمده است که مشخص نیست آیا واقعا دلار است یا تومان. با اینهمه از نام محکومان این پرونده ها بحث و صحبتی در میان نیست، چرا که به گفته رئیس دستگاه قضائی حکومت اسلامی پای آبروی نظام و مدیران آن در میان است. تنها در یک جا، سرپرست مجمع قضائی اشاره می کند که "در محکومیت های قطعی، پرونده هایی در سطح وزیر داشته ایم."

در صفحه ۸

نگاهی به ابلاغیه ی اخیر دولت به سازمان «صدا و سیما» و چرایی آن

سیاست های مربوط به سینما، نشر کتاب، نشریات و خبرگزاری ها، به محدود کردن هر چه بیشتر فضای انتشار خبر، نشر اندیشه و تولیدات فرهنگی و هنری اقدام کرده بود. از دیدگاه مارکسیستی فرهنگ حاکم بر جامعه، فرهنگ طبقه ی حاکم است و در جهان امروز، تلویزیون نقش برجسته ای در این امر بازی می کند. در جهان معاصر، چه در کشورهای اروپایی و امریکایی و چه در کشورهای هم چون ایران، رسانه های جمعی و به ویژه تلویزیون با مخاطبان گسترده ای که دارند، تأثیر فزاینده ای در شکل دادن به افکار افراد جامعه (به ویژه افکار سیاسی) و پیشبرد نظرات و در

احمدی نژاد "ریاست جمهور" حکومت اسلامی، در تاریخ ۲۷ آذر مصوبه "شورای عالی انقلاب فرهنگی" را به "سازمان صدا و سیما" جمهوری اسلامی" ابلاغ کرد. این مصوبه که در 23 بند تنظیم شده است، ضمن تعریف و تمجید از سیاست های کنونی سازمان فوق، خواستار شدت عمل بیشتر این سازمان در راستای آن چه گسترش "هویت دینی" و مقابله با "تهاجم فرهنگی" در این ابلاغیه نامیده شده است، شد. پیش از این وزارت ارشاد که تحت امر صفار هرندی، سردبیر سابق روزنامه کیهان و در واقع دستیار شریعتمداری (مدیر کیهان و یکی از عوامل ترور نویسندگان و مخالفان سیاسی در سال های اخیر) قرار دارد، با تیزتر تجدید نظر در

در صفحه ۷

جایگاه اعتصاب شرکت واحد در روند تکامل جنبش کارگری

اخباری از ایران

گزارشی از اعتراضات کارگران کارخانه الکتریک رشت

در پی اعتراضات کارگران کارخانه الکتریک رشت (توشیبا)، کمیته کارگری گیلان در تاریخ ۶ دی با صدور اطلاعیه ای گزارشی از این مبارزات ارایه کرد. در این گزارش آمده است:

«کارگران شرکت تعطیل شده الکتریک رشت... روز های متوالی در محل تعاونی کارخانه رشت جمع می شوند و تا به حال چندین مجمع عمومی تشکیل داده اند. نمایندگان آنها بارها با مسئولین دولتی پای میز مذاکره نشسته اند و هر راه قانونی و اداری که به نظرشان می رسیده را طی کرده اند. اما در نهایت پس از منتهای طولانی در مجمع عمومی خود به این نتیجه رسیدند که مسئولین فقط به آنها دروغ می گویند و وعده هایی میدهند که به آنها پایبند نیستند. در نتیجه هیچ راهی بجز اقدامات عملی خودشان نماند و در این رابطه روز سه شنبه ۲۹ آذر از محل تعاونی کارخانه (جنب پارک شهر) اقدام به راهپیمایی به سمت استانداری کردند. کارگران که حدود ۳۵۰ نفر بودند با شعارهای: "سرمایه از روز ازل نبوده سرمایه دار حق ما رو ربوده" - "قیه جنایت میکند استان حمایت میکند" - "میجنگیم می میریم حق خود را میگیریم" - "مسئولین مسئولین حرف بس است عمل کنید" و شعارهایی از این قبیل صدایشان را بگوش مردم رساندند. در میدان شهرداری (مرکز شهر) عده زیادی از مردم با تجمع پیرامون آنها با کارگران اظهار همدردی کردند. کارگران پس از رسیدن به استانداری ضمن اخلال در عبور و مرور، تجمع کردند و خواهان رسیدگی به وضعیتشان شدند. چند تن از مسئولین استانداری از جمله آخوند زاده به آنها وعده دادند که به سرعت به کارشان رسیدگی خواهند کرد و از کارگران خواستند که متفرق شوند. کارگران که از این قبیل وعده ها زیاد شنیده اند حاضر نشدند محل را ترک کنند و تمام روز را آنجا ماندند و شعار می دادند. روز بعد مجدداً کارگران اقدام به راهپیمایی از محل تعاونی تا استانداری کردند و همان شعارها را تکرار کردند. اینبار نیز نیروهای انتظامی محل را محاصره کرده و کارگران را زیر نظر داشتند. آنروز نیز وعده هایی به آنها داده شد که هیچ ارزشی نداشت. تجمع کارگران در روز های بعد هم ادامه داشت، اما مسئولین استانداری در این روزها حتی از دادن وعده نیز صرف نظر کردند تا بدین وسیله کارگران را خسته و نا امید کنند. کارگران که حمایت عملی استانداری از قیبه را میدیدند، و از سوی دیگر فشار اقتصادی و بیکاری طولانی جانشان را به لب رسانده است، در روز شنبه ۵ دی در همان محل تجمع مقابل استانداری به بحث جهت اقدام دیگری یعنی بستن خیابان کردند. نمایندگان آنها مخالف این کار بودند اما کارگران در نهایت به این کار اقدام کردند و عملاً خیابان را بستند. که در همان حال نیروهای انتظامی به کارگران یورش بردند تا آنها را متفرق کنند و با باتوم به کارگران حمله کردند و آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند که در همین حین کارگران برای دفاع از خود با نیروهای انتظامی درگیر شدند. نیروهای انتظامی که از حمله متقابل کارگران به هراس افتادند صحنه را ترک و به داخل استانداری رفتند و از کارگران فاصله گرفتند.

کارگران نیز که شدت خشمگین بود ند مشکلات و مسائل خود را با مردم در میان میگذاشتند تا آنها بدانند که چگونه دستگاه عریض و طویل دولتی در حمایت از سرمایه داران حق و حقوق آنها را پایمال میکنند. اعتراضات کارگران برای دریافت حقوق و مطالباتشان همچنان ادامه دارد و قرار است که کارگران تا رسیدن به مطالبات و حقوق حقه خویش به

است. اعتصاب در ایران غیر قانونی است، اما شهردار تهران ناگزیر می شود به محل تجمع کارگرانی برود که اعتصاب کرده اند و با وعده رسیدگی به خواست ها، کارگران به اعتصاب خود پایان می دهند.

به یاد داشته باشیم که کشاکش کارگران شرکت واحد با رئیس شرکت واحد و دولت، اساساً بر سر تشکیل سندیکای مستقلی است که در شرکت واحد تشکیل شده است. تشکیل سندیکای مستقل بخشی از مساله ای بزرگتر یعنی آزادی ایجاد تشکل های مستقل کارگری است که حلقه اساسی مطالبات کارگری است و تحقق سایر مطالبات کارگری به آن گره خورده اند. اما حق ایجاد تشکل های مستقل کارگری، امری تنها مربوط به شرکت واحد نیست. کارگران شرکت واحد با ایجاد سندیکای مستقل عملاً این خواست خود را به مرحله اجرا درآوردند. اما از دید رژیم، پذیرش این مطالبه کارگری به این معنا است که در کارخانه ها و واحدهای مختلف دیگر، کارگران تشکل های مستقل خود را که می توانند اشکال متنوع و متفاوتی داشته باشند، به وجود بیاورند. این امر یعنی پذیرش برپیده شدن کامل بساط شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر که به خودی خود به اندازه کافی رسوا و منزوی هستند. گرچه محدود کردن و حتی تغییر شکل این تشکل های ضد کارگری، در دستور کار وزارت کار و جناحی از رژیم نیز قرار دارد، اما قطعاً هدف، جایگزینی آن ها با تشکل های مستقلی که با ابتکار خود کارگران تشکیل شده باشد، نیست. جمهوری اسلامی تا آنجا که بتواند با این امر مقابله خواهد کرد. اما اگر کارگران شرکت واحد در بطن شرایط مشخصی که جوانه های ابتکارات مستقل کارگری اینجا و آن جا سر بر می آورند و فعالان کارگری پیشرو حضور پررنگ تری در جامعه پیدا می کنند، توانستند سندیکای مستقل خود را بوجود بیاورند، قطعاً پروسه ایجاد تشکل های مستقل در مراکز دیگر دنبال خواهد شد، هر چند که به خاطر مقاومت حکومت اسلامی، پروسه تشکیل و حفظ این تشکل ها پیچیده و همراه با جنگ و گریز باشد. جمهوری اسلامی قطعاً همه شیوه ها را به کار خواهد گرفت. از زیر فشار قراردادن فعالان کارگری، ایجاد ترس و وحشت، شکستن مقاومت تا حتی در صورت امکان به سازش کشاندن بخش هایی از کارگران، تا بدین طریق مانع رشد و گسترش مبارزه سازمان یافته کارگران شود و از ایجاد تشکل های مستقل کارگری ممانعت به عمل آورد. اما مبارزه ای که آغاز شده است ادامه خواهد یافت و به رغم تمام موانع، جنبش کارگری، متشکل تر و آگاهانه تر در صحنه مبارزه طبقاتی به حضور خود ادامه خواهد داد.

و فعالان سندیکا را بشدت مضروب ساختند. فعالان سندیکا از چماق بدستان خانه کارگر شکایت کردند. چند ماه از این شکایت می گذشت اما از محاکمه و مجازات مهاجمان خبری نبود. در عوض، روز اول دیمه اعضای هیات مدیره سندیکای شرکت واحد به جرم اقدام به تشکیل سندیکای غیرقانونی دستگیر شدند و دفتر سندیکا پلمب شد. کارگران شرکت واحد به سرعت واکنش نشان داده و با صدور بیانیه ای اعلام کردند در صورتی که بازداشت شدگان آزاد نشوند، روز ۴ دیمه دست از کار می کشند. پس از صدور بیانیه تعداد دیگری از فعالان سندیکا دستگیر شدند. اما علیرغم این دستگیریها، اعتصاب صبح زود روز یکشنبه ۴ دی ماه آغاز شد. دستگیری فعالان سندیکا موجی از اعتراض را دامن زده بود. بیانیه هایی از سوی کارگران برخی از کارخانه ها از جمله شرکت ایران خودرو، شرکت ملی صنایع مس ایران، کفش ملی، و جنرال الکتریک صادر و دستگیری فعالان کارگری شرکت واحد محکوم گردید. کانون نویسندگان ایران، همچنین تعدادی از تشکل های دانشجویی، دستگیری ها را محکوم کرده و خواستار آزادی دستگیر شدگان شدند. حضور خانواده های کارگران اعتصابی در محل های چندگانه تجمع اعتصابیون، فضای حمایت از اعتصاب را پررنگ تر کرده بود. رسانه های جمعی جمهوری اسلامی ابتدا در باره اعتصاب سکوت کردند. سپس اخبار مجعول و سرودم بریده ای حاکی از اینکه ۵ درصد کارکنان شرکت واحد اعتصاب کرده اند و خواست آنان رسیدگی به مسائل رفاهی است، انتشار دادند. اما سرانجام ناگزیر شدند از ابعاد اعتصاب بگویند و از زبان چمران رئیس شورای اسلامی شهر تهران اعلام کنند که "اعتصاب کارکنان و رانندگان اتوبوس شرکت واحد تنها صنفی نیست"، او گفت کارگران سندیکا تشکیل داده اند و سندیکا غیر قانونی است. در نهایت اعلام شد که قالیباف در جمع اعتصاب کنندگان حاضر شده و قول داده است به خواست های آنان رسیدگی شود. اعضای هیات مدیره سندیکا به جز اصائلو آزاد شدند و اعتصاب پایان یافت.

کارگران شرکت واحد در فراخوان اعتصاب که روز اول دیمه صادر شد، اعلام کرده بودند که قصد دارند در اعتراض به دستگیریها " ... دست از کار کشیده و اعتراض همگانی خود را جهت احقاق حق و حقوق و آزادی نمایندگان واقعی کارگران که در بند می باشند را به گوش جهانیان برسانیم و به شایعات و جو سازیهای رعب و وحشت توجهی نکرده و تا رسیدن به خواسته های قانونی مان اعتصاب را ادامه دهیم". اعتصاب پایان یافت در حالی که هنوز تعدادی از فعالان سندیکایی در زندان بسر می بردند. تعدادی از آنان سه روز بعد در پی تحصن خانواده هایشان مقابل دادگاه، آزاد شدند.

اگر چه هنوز اصائلو در زندان به سر می برد، و اخباری حاکی از آن است که اعمال فشار بر فعالان کارگری و اعضای سندیکای شرکت واحد افزایش یافته است اما نفس برپائی این اعتصاب نقطه ای روشن در مبارزات کارگری ایران

کمک های مالی

کاتادا	نفسیه ناصری	۱۰ دلار
ستاره		۲۰ دلار
لاکومه		۵۰ دلار
سوئیس		
فدائی کبیر		
حمید اشرف		۱۰۰ فرانک سوئیس

یکه تازی حزب بی نام و نشان رئیس جمهور

رئیس جمهور اما که بیش از همه برسپاه و بسیج و نیروهای نظامی تکیه دارد، بی آن که به این اعتراضات و انتقادات واقعی گذاشته باشد، به پرسوسه حذف و تصفیه ادامه می دهد و پست های حساس و مقامات کلیدی را یک به یک به عناصر نزدیک به خود و از قماش خود می سپارد. جو خفقان و سرکوب گرچه آرام و بی سر و صدا اما گام به گام و به طور محسوسی تشدید شده است به نحوی که حتا بسیاری از "خودی ها" و طرف داران سرسخت نظام هم از آن می نالند و خود را در "تنگنا" احساس می کنند.

بدیهی است که دولت جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ارتجاعی و ضد کارگری خود، با تشدید جو خفقان و سرکوب، قبل از هر چیز سرکوب قطعی جنبش کارگری را که در دو سال اخیر گام های بلندی به جلو برداشته است، هدف خویش قرار دهد. دولت اسلامی و "عدالت خواه" با هر درجه از مهارت در عوامفریبی و با برخورداری از وجود شارلاتان های سیاسی امثال احمدی نژاد با هر میزان از استعداد مردم فریبی توأم با خودستایی، این جا در برابر جنبش بالنده کارگری نمی تواند سکوت کند و باید حرف صریح و نهائی خود را بزند که در واقع با اقدامات ضد کارگری متعدد خود و از جمله با محکومیت کارگران سقز و یورش به کارگران شرکت واحد و سندیکای آنها حرف مشخص خود را زده است و لاجرم هزار و یک اقدام عوامفریبانه رئیس جمهور بسیجی را نیز خنثا ساخته است.

معهدا امروز مسئله فقط این نیست که کارگران، فعالین کارگری، نیروهای مخالف و یا کسانی که می خواهند پایشان را اندکی از چارچوب های موجود فراتر بگذارند سرکوب می شوند، بلکه دولت آقای احمدی نژاد تحرکات و فعالیت در محدوده های پیشین را نیز دارد مسدود می کند و عرصه را بر بسیاری از خدمت گزاران به نظام هم تنگ کرده است.

برای نمونه می توان به درگیری های فیما بین وزارت کار و شوارهای اسلامی کار اشاره کرد. وزیر کار احمدی نژاد، عمادا از اعزام نماینده به مجامع عمومی و انتخابات شوارهای اسلامی کار در تهران خودداری نموده و این نهادهای وابسته به دولت را که صد البته کارگران هیچگونه ارزش و اعتباری برای آن قائل نبوده اند اما در نزد دولت هنوز جا و منزلتی داشتند، عملا بی اعتبار ساخته است. صرف نظر از این که این درگیری بازتاب تضادها و رقابت های درونی حاکمیت میان طرفداران رفسنجانی و دولت جدید و بیان گر کوشش دارو دسته احمدی نژاد برای کوتاه کردن دست رفسنجانی است، اما در عین حال نشان دهنده این مسئله هم هست که دولت احمدی نژاد در عرصه مسائل کارگری نیز هیچ چیز را، جز آن چیزی که خود می خواهد، بر نمی تابد، حتا شوارهای اسلامی کار را که عمری در خدمت همین رژیم اسلامی بوده اند و برای خدمت به طبقه حاکم و ضدیت با منافع واقعی کارگران، هرکاری که از دستشان بر می آمده است انجام داده اند.

در عرصه جنبش دانشجویی و مسائل دانشجویی نیز وضعیت به همین گونه است. امروز بسیج دانشجویی در دانشگاه ها بیش از پیش فعال شده

است و نه تنها دانشجویان چپ و رادیکال و انقلابی، بیش از گذشته در معرض سرکوب و فشارند، بلکه فعالیت در انجمن های اسلامی هم بدون دردسر و مانع نیست. کار به جایی رسیده است که این انجمن ها نیز برخوردهای جدید با فعالان دانشجویی و صدور احکامی در حبس و محکومیت دانشجویان و تشدید فشار بر دانشجویان برای "تملق گویی" را مورد اعتراض قرار داده و از اجرای سیاست "مشت آهنین" در دانشگاه ها انتقاد نموده و شعار "مهرورزی" رئیس جمهور را نیز به سخره گرفته اند.

اگر قرار باشد از ده نفر به عنوان افرادی که در طول عمر خود به جمهوری اسلامی بیشترین خدمات را کرده اند نام برده شود، یکی از آنها کروی، این عنصر مرتجع و مذبذب و دودوزه باز است. کروی می خواست یک شبکه تلوژیونی ("شبکه صبا") در خارج از کشور راه اندازی کند و از طریق آن به تبلیغ و ترویج اسلام و مواضع جمهوری اسلامی بپردازد. کروی که برای کسب اجازه راه اندازی این شبکه، کار را عنوان کرده بود که هیچ گاه از چارچوب قانون اساسی و نظام خارج نشده است و در تمام مراحل به جمهوری اسلامی وفادار بوده و امتحان خود را پس داده است، تصریح کرد بعد از این هم به همان سبب عمل خواهد کرد و خواهش و تمنا نمود که فقط دوماه اجازه داده شود که فعالیت این شبکه آغاز شود تا اگر رضایت بخش نبود، بعدا آن را تعطیل کنند. کروی در عین حال بارها گفته بود که برنامه های شبکه تلوژیونی آن هم در حد همان برنامه های جمهوری اسلامی است و در زمینه هنر و موسیقی هم نمی خواهد شبکه رقص و آواز راه بیندازد. اما سرانجام هیچیک از این تمناها و اظهارات اطمینان بخش، کارساز واقع نشد. دولت احمدی نژاد حتا تلوژیون کروی را هم تحمل نکرد و شورای امنیت آن را یک اقدام غیر قانونی خواند. چنین است که کروی هم از این که وی را در "تنگنا" قرار داده اند زبان به شکوه می گشاید و آنگاه می پرسد "اگر نتوانند ما را تحمل کنند، پس چه کسی را تحمل می کنند؟"

هرچند سرکوب و اختناق، در اساس همواره یگانه سیاست اصلی جمهوری اسلامی در برابر کارگران، زنان و سایر اقشار زحمتکش و نیروهای انقلابی جامعه بوده است، اما این سیاست از آنجا که این بار بدون ماسک و پوشش "اصلاح طلبی" دارد پیش برده می شود، بنا بر این بیش از پیش در معرض دید قرار گرفته و به سیاست "مشت آهنین" نیز تعبیر شده است. مدتی پیش مجتبی بیگلی سخنگوی "حزب الله ایران" در گفتگو با "ایلنا" خبر داد که به زودی کنگره سراسری حزب الله ایران تشکیل می شود که یکی از "راهبردهای آن یافتن راه هائی برای کمک و مساعدت به دولت بسیجی احمدی نژاد" است. نامبرده همچنین به این مسئله اشاره نمود که حزب الله ایران به زودی نشریه خود را نیز انتشار خواهد داد و تایک ماه دیگر "شبکه ماهواره ای خبیر" که کارهای فنی آن هم نهائی شده است، به منظور "گسترش معارف اسلامی و تشیع در جهان" راه اندازی خواهد شد. پیش از آن نیز حجازی فرمانده نیروی مقاومت بسیج

اعلام کرده بود ۴۴ هزار پایگاه مقاومت بسیج در کشور در حال فعالیت اند که ۱۲ هزار آن ویژه خواهران بسیجی است.

سیاست های دولت احمدی نژاد در عرصه مسائل داخلی از جمله تشدید فشارهای رسمی و غیر رسمی بر زنان و جوانان و پرو بال بخشیدن به بسیج و باندهای سپاه و حزب الله و آوردن وسیع تر آن ها به صحنه، بیانگر تشدید سیاست سرکوب و خفقان است. حزب بی نام نشان رئیس جمهور که بر اکثریت پست های کلیدی چنگ انداخته است از آن جا که نه فقط سهم مورد دلخواه سایر احزاب و دستجات را نداده است بلکه به نفع حزب و دسته خویش حتا آن ها را محدود تر هم کرده است. از اینروست که آنها نیز عرصه را بر خود تنگ و خود را در "تنگنا" می بینند.

البته پیش روی احمدی نژاد صاف و سرراست و بدون مانع نبوده است. اما حزب و دولت احمدی نژاد افزون بر استفاده وسیع از حربه عوام فریبی، موضوع "اعلام اسامی مفسدان اقتصادی" را نیز چون چماقی بر فراز سر سهم طلبان نگاه داشته و با استفاده از این ابزار، راه را برای پیشروی خود باز نموده است چرا که مصداق این ضرب المثل که "چوب را که بلند کنی گربه زده فرار می کند" با بلند کردن این چماق بسیاری از سهم خواهان نیز گرچه ممکن است صحنه را ترک نکرده باشند اما از ترس رسوائی، از ورود علنی به صحنه خودداری نموده و یا سکوت اختیار کرده اند. در حالی که هنوز هم بر سر مقوله "مفسدین اقتصادی" و اعلام اسامی آن ها در دستگاه قضائی و مجلس و دولت بحث و اختلاف هست، اما احمدی نژاد به صرف بلند کردن این چماق، توانسته است احزاب و دستجات رقیب خود را تا حدودی عقب براند و یا دستکم آن ها را عاجالتا به سکوت و یا بخشا به فلج و انفعال بکشاند.

مغیون شدگان حکومتی، گرچه هنوز هم حزب نامرئی احمدی نژاد و ملاقات های مکرر وی و اعضای دولت را بامصباح یزدی به عنوان منبع "تغذیه تئوریک" این جریان زیر سوال می برند و "اصول گرایان" را تحت فشار قرار گذاشته اند که "اصول گرایی" و "مرز آن با "خرافه گرایی" و "تحجر" را روشن سازند و "مانیفست" خود را اعلام کنند، و گاه حتا از شخصیت احمدی نژاد و کوشش های وی برای "کسب شهرت" و انمود کردن این که با "عالم غیب" رابطه دارد، به تحقیر یاد می کنند و خلاصه خواستار آن شده اند که "اصول گرایان" موضع خود را در قبال افرادی که ادعای ارتباط با "امام زمان" دارند و در صدد آن هستند که "ستاد استقبال از امام زمان" تشکیل دهند، روشن سازند، اما اولاً در صفوف اینها نیز آن شور و تحرک اولیه که برای جلوگیری از "هدم اسلام و نظام" می خواستند صفوف خود را در برابر وضعیت پیش آمده متحد سازند، دیده نمی شود. به ویژه آن که سیاست خارجی دولت احمدی نژاد مبنی بر ایجاد تنش و بحران که در آغاز به عنوان یکی از نقاط ضعف آن مطرح می شد و تمامی مغیون شدگان این نقطه ضعف را وسیله حمله و انتقاد خود قرار می دادند، به زودی به یک نقطه قوت رئیس جمهور و دولت وی تبدیل گردید.

دوما تمامی شواهد حاکی از آن است که حزب بی نام نشان رئیس جمهور با اعتماد به نفسی که فقط



اعتصاب کارگران در نیویورک

در آخرین روزهای سال ۲۰۰۵، بیش از ۳۴ هزار راننده اتوبوس و مترو در شهر نیویورک دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. در اوایل ماه دسامبر مذاکرات میان نمایندگان کارگران و کارفرما به بن بست رسید و تدارک این اعتصاب به فوریت در دستور کار قرار گرفت. کارفرما در تلاش بود که سهم کارگران از حق بازنشستگی را به ۶ درصد افزایش دهد، و این اقدام مورد مخالفت یکپارچه کارگران قرار گرفته است. اعتصابیون می گویند که مقامات شهری نیویورک با بهانه قراردادن جنگ عراق، بیش از ۳ سال است که با افزایش دستمزدها مخالفت کرده و اکنون هم از کارگران می خواهند تا بخش دیگری از دستمزد خود را به جیب سرمایه داران سرازیر کنند. این اعتصاب یکپارچه، ترافیک را در این شهر به کلی متوقف کرد. از سوی دیگر، اعتصابیون از همان نخستین ساعات آغاز این حرکت به خیابان ها آمدند و در مقابل ایستگاههای مترو و اتوبوس تجمع کرده و با پخش اطلاعیه از مردم خواستند که از این حرکت حمایت کنند. برغم تمام تهدیدات مقامات شهری و گسترش تبلیغات دروغ علیه اعتصابیون، چند نظرسنجی از سوی رادیوهای محلی نشان از پشتیبانی اکثریت مردم نیویورک از خواست اعتصابیون داشت. سرانجام این تهدیدات، بویژه تهدید مستقیم رهبران اتحادیه، موجب شد این اعتصاب پس از ۳ روز عجلاتا خاتمه پیدا کند. کارفرما از کارگران دعوت نمود تا مجدداً به سر میز مذاکره برگردند و کارگران نیز گفتند که ماه ژانویه مجدداً از نمایندگان کارفرما می خواهند تا دست از پیشنهاد ضد کارگری خود بردارند.

اعتصاب کارگران متروی لندن

روز ۳۱ دسامبر تمامی ۴۰۰۰ کارگر متروی شهری در لندن دست به یک اعتصاب یکروزه زده و به این ترتیب حمل و نقل میلیون ها نفر در آخرین شب سال ۲۰۰۵ به کلی مختل شد. مدیریت متروی شهری لندن اخیراً اعلام نمود که برنامه کار رانندگان مترو تغییر کرده و ساعات کار هفتگی به ۳۵ ساعت افزایش می یابد. این خبر موجی از مخالفت را در میان کارگران برانگیخت. امواج خودانگیخته مخالفت زمانی به اعتصاب یکپارچه ۳۱ دسامبر تبدیل شد که مقامات مدیریت تلاش کردند این طرح ضد کارگری را به سرعت به مرحله اجرا درآورده و فرصت هر عکس العملی را از کارگران سلب کنند. هر چند این اعتصاب تنها یک روز به طول انجامید، اما از هم اکنون اعتصاب دیگری برای روز ۸ ژانویه تدارک دیده شده است. به گفته نماینده کارگران این اعتصابات تا عقب نشینی کارفرما ادامه خواهد یافت.

اعتصاب کارگران بنادر در دانمارک

روز ۲۸ نوامبر بیش از ۱۳۰۰ کارگر بندر درسراسر دانمارک دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. این کارگران از دخالت مجدد پارلمان اروپا در تعیین شرایط کار باراندازان بنادر اروپا

ناراضی بوده و خواهان توقف این دخالت ها هستند. هنوز یک سال از آخرین باری که باراندازان بکرشته بنادر اروپا با تصمیم پارلمان اروپا به مخالفت برخاسته و با اعتصاب یکپارچه خود نمایندگان سرمایه اروپایی را وادار نمودند که از دخالت در شرایط کار کارگران دست بردارند، نمی گذرد که مجدداً نمایندگان سرمایه داران تلاش دارند تا کارگران را وادار به پذیرش سیاست های ضد کارگری خود کنند. محور مورد اختلاف، دستورالعمل پارلمان اروپا است که بر اساس آن صاحبان کشتی های تجاری می توانند اقدام به تخلیه کشتی های خود کنند. این هم چیز دیگری نیست جز باز گذاشتن کامل دست سرمایه داران در استفاده از نیروی کار ارزان کارگران خارجی که ماهها در کشتی های تجاری زندگی کرده و تحت شرایطی طاقت فرسا به کار گمارده می شوند. باراندازان دانمارک در اطلاعیه مربوط به اعتصاب روز ۲۸ نوامبر از جمله اشاره کردند که سرمایه داران یا باید به کارگران خارجی و غیر قانونی کشتی های خود دستمزدی برابر با کارگران اروپایی بدهند و یا اینکه با تمام توان از ورود این کشتی ها به بنادر اروپا جلوگیری می کنند. همزمان با اعتصاب باراندازان دانمارک، بیش از ۱۰۰۰ کارگر بندر در مقابل پارلمان اروپا در شهر بروکسل تجمع کرده و خواهان توقف اقدامات ضد کارگری نمایندگان سرمایه داران شدند.

اعتصاب کارگران مهاجر در کره جنوبی

روز ۱۰ دسامبر صد ها کارگر مهاجر در کره جنوبی، دفتر کمیسیون دولتی دفاع از حقوق بشر در شهر سئول را اشغال کرده و اعلام نمودند تا آزادی انور حسین، یکی از رهبران این اتحادیه، در این محل تحصن می کنند. انور حسین، یکی از رهبران بیش از ۴۰۰ هزار کارگر مهاجر در کره جنوبی است که اوایل ماه می سال ۲۰۰۵ به بهانه واهی نقض ویزا توسط ماموران اداره مهاجرت دستگیر شده و از آن زمان در بازداشت به سر می برد. وی یکی از رهبران مبارزات کارگران مهاجر در این کشور بوده و بدون شک همین نقش وی در رهبری مبارزات کارگران است که مقامات دولت را واداشته او را دستگیر کرده و تلاش کنند تا وی را از خاک کره جنوبی اخراج کنند. در همین رابطه فدراسیون کارگران کره جنوبی ضمن هشدار به مقامات دولت خواستار آزادی فوری انور حسین شده است.

اعتصاب کارگران در ایرلند

روز ۹ دسامبر دهها هزار کارگر به فراخوان کارگران حمل و نقل ایرلند پاسخ مثبت داده و دست به یک اعتصاب یکروزه زدند. از اواخر ماه نوامبر بیش از ۵۰۰ نفر کارگر کشتی های مسافری در اعتراض به تلاش کارفرما مبنی بر اخراج کارگران قدیمی و استخدام کارگران اروپایی شرقی با دستمزدی کمتر، دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. این اعتصاب از سوی بخش های مختلف کارگران ایرلند حمایت شد و در همین رابطه هم اعتصاب حمایتی روز ۹ دسامبر انجام گرفت. در این روز تنها خیابان های شهردوبلین شاهد حضور بیش از ۱۰۰ هزار کارگر بود که پس از عبور از مناطق مرکزی در یکی از میدانی اصلی شهر تجمع نموده و خواهان رسیدگی به خواست کارگران

کشتیرانی شدند. در همین روز خیابان های چند شهر دیگر نیز شاهد راه پیمایی و تجمع کارگران اعتصابی بود که ضمن حمایت از خواسته های هم زنجیران خود، خواهان توقف فوری اقدامات صاحبان کشتی های مسافربری علیه کارگران شدند.

اعتراضات مردم در السالوادور

روز ۳۰ نوامبر دهها هزار نفر به فراخوان "بلوک مردمی اجتماعی" و "جبهه رهانبخش ملی فاریبونو مارتی" پاسخ مثبت داده و دست به یک اعتراض سراسری علیه سیاست های نئولیبرالی دولت السالوادور زدند. در این روز خیابان های بکرشته شهرهای این کشور شاهد حضور بیش از دهها هزار نفر بود که سیاست های اقتصادی دولت آنها را به فقر، گرسنگی و بیکاری سوق داده و هر روز شرایط زندگی میلیونها کارگر و زحمتکش را دشوار تر نموده است. در این روز دهها جاده اصلی منتهی به شهرهای بزرگ مسدود شده و تجمعات اعتراضی در مقابل یکرشته ساختمان های دولتی برگزار شد. خواست های اصلی تظاهرکنندگان این روز افزایش کمکهای دولتی به آسیب دیدگان حوادث طبیعی اخیر، تقسیم زمین میان دهقانان بی زمین و توقف فوری خصوصی سازی خدمات آبرسانی این کشور بود.

از صفحه ۸

دستگاهی که سر تا پا غرق در ...

اسامی را باعث بدنام شدن مدیران نظام و فرار سرمایه ها می داند و با آن مخالف است، جناح دیگر نیز پا را از مرحله تهدید فراتر نمی گذارد، چون می داند اگر نزاع به این مرحله برسد، جناح رقیب نیز دست روی دست نخواهد گذاشت و متقابلاً دست به افساگری خواهد زد که در آن صورت پای تمام حکومت و سران آن به میان خواهد آمد. از همین روست که اکثریت نمایندگان مجلس ارتجاع، نامه دستجمعی امضاء می کنند که اسامی محکومان به فساد اعلام شود، اما همین اکثریت، پای یک مصوبه در مجلس ارتجاع برای موظف کردن دستگاه قضائی رژیم به اعلام اسامی نمی رود. در این جا نیز روشن است که سروصدا و جنجال بر سر مبارزه با فساد دستگاه دولتی، صرفاً در خدمت اهداف تبلیغاتی-سیاسی رژیم است.

هیچ مبارزه جدی با فساد نمی تواند در چارچوب نظم موجود انجام گیرد. مبارزه جدی با فساد مالی دستگاه دولتی، یک راه دارد و آن در هم شکستن و نابود کردن تمام دستگاه بوروکراتیک دولتی است. توده های زحمتکش مردم هنگامی از شر تمام دستگاه انگل دولتی واز جمله دستگاه بوروکراتیک آن رها خواهند شد که این دستگاه به کلی درهم شکسته و جاروب شود. توده مردم از طریق شوراها اداره امور کشور را در دست بگیرند و شوراها قانونگذار و مجری قانون باشند. تمام مناصب و مقامات دولتی انتخابی و هر لحظه قابل عزل باشند و حداکثر حقوق این مقامات از متوسط دستمزد یک کارگر ماهر تجاوز نکنند.

راه دیگری نیست. هر راه ادعائی دیگر، یا فریب و دروغ است و یا خیال و توهم.

دفاع از حقوق کارگران یک وظیفه است

اسانلو را همچنان در اسارت نگاه داشته است. مطابق گزارش انتشار یافته از سوی ستاد تبلیغات سندیکای کارگران شرکت واحد، جمهوری اسلامی اقدامات سرکوبگرانه خود علیه اعضای هیئت مدیره و فعالین سندیکا را تشدید نموده است. حساب بانکی اعضای سندیکا را مسدود نموده و مانع پرداخت دستمزد آنان شده است. جمهوری اسلامی درصدد پرونده سازی برای اعضای هیئت مدیره به ویژه منصور اسانلو و تعطیلی سندیکای شرکت واحد می باشد. ملاقات یک هیئت ۱۳ نفره از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد در روز شنبه دهم دی ماه با شهردار تهران قالیباف و درخواست آزادی فوری منصور اسانلو تاکنون به نتیجه ای نرسیده است.

در جمهوری اسلامی حقوق اولیه کارگران هر روزه نقض و پایمال می شود. کارگران تنها به "جرم" برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه یعنی روز کارگر، بازداشت و محکوم می شوند. کارگران تنها به دلیل آن که می خواهند تشکل های مورد نظر خود را ایجاد کنند مورد یورش و ضرب و شتم قرار می گیرند و به حبس می افتند. این اقدامات ضد کارگری فورا باید متوقف شود. سازمان ما یک بار دیگر تمامی اقدامات ضد کارگری جمهوری اسلامی را محکوم می کند و خواستار لغو فوری احکام محکومیت دستگیر شدگان اول ماه مه سقز، است. ما از هر نهاد و ارگانی که برای دفاع از حقوق کارگران فعالیت و مبارزه کند حمایت نموده و دفاع از حقوق کارگران را وظیفه خود می دانیم. ما همچنین یورش نیروهای سرکوب به اماکن مسکونی کارگران، بازداشت و ضرب و شتم کارگران شرکت واحد و پرونده سازی علیه آنها را قویا محکوم می کنیم و خواستار آزادی فوری منصور اسانلو و سایر بازداشت شدگانیم.

به دنبال صدور احکام محکومیت دستگیرشدگان اول ماه مه سال ۸۳ در سقز و صدور فراخوانی از سوی همسران چهارتن از آنها برای حمایت از محکومین، کمیته ای تحت عنوان "کمیته دفاع از حقوق دستگیرشدگان اول ماه مه" در ۲۴ آذر ۱۳۸۴ اعلام موجودیت کرد که ۶۷ نفر آن را امضا کرده بودند. در جلسه ای که در همین تاریخ تشکیل شد، یک هیئت اجرائی ۹ نفره یک هیئت ۵ نفره به عنوان اعضای جانشین و نیز سخنگویانی انتخاب شدند. این کمیته بلافاصله فراخوانی را جهت لغو احکام زندان و تبعید فعالان کارگری صادر نمود و با انتشار متن کوتاهی از عموم مردم خواست که با امضای آن و حمایت از این کمیته، خواستار لغو احکام صادره شوند و آمادگی خود را برای پیوستن به اقدامات لازم برای لغو این احکام اعلام دارند.

علاوه بر اسامی همسران چهارتن از محکومین اول ماه مه، در میان اعضای هیئت مؤسس ۶۷ نفره این کمیته اسامی زیر نیز دیده می شود. هادی تنومند، بهرام دزکی، علی رضا خباز، کاظم فرج الهی، علی اشرف درویشیان، ناصر زرافشان، فریبرز رئیس دانا و منصور اسانلو (رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه). لازم به ذکر است که در جریان هجوم نیروهای امنیتی به اماکن مسکونی فعالین کارگری در تهران در تاریخ ۳۰ آذر، اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد بازداشت شدند. در اعتراض به این اقدام ضد کارگری و برای آزادی دستگیرشدگان، کارگران و کارکنان شرکت واحد روز ۴ دی در مناطق ده گانه تهران دست به اعتصاب زدند. به دنبال این اعتصاب که از سوی سایر کارگران و تشکل های کارگری مورد حمایت قرار گرفت گرچه تعدادی از کارگران بازداشت شده آزاد شدند، معهدا رژیم منصور

اکسیون های تشکیلات خارج کشور سازمان در حمایت از مبارزات کارگران شرکت واحد

در پی فراخوان کمیته خارج از کشور سازمان به برپائی اکسیون های اعتراضی، روز پنج شنبه ۲۹ دسامبر ۲۰۰۵ جمعی از فعالین سازمان به همراه سایر نیروهای سوسیالیست، در برابر کنسولگری جمهوری اسلامی در فرانکفورت، یک تجمع اعتراضی برپا نمودند و با دادن شعارهایی در حمایت از کارگران ایران و محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه رژیم، خواهان آزادی تمامی کارگران دستگیر شده گشتند.

در این اکسیون اعتراضی، شعار کارگران ایران، اتحاد، اتحاد، کارگران دنیا، حمایت، حمایت. زندانی سیاسی آزادیابد گردد. کارگر زندانی آزادیابد گردد، جمهوری اسلامی نابود باید گردد، حکومت شورائی برپا باید گردد. برقرارباد همبستگی بین المللی کارگران، سر داده شد.

واحد و نکور کاندای تشکیلات خارج کشور سازمان نیز روز چهارشنبه ۲۸ دسامبر یک اکسیون اعتراضی در مرکز شهر ونکوور برپا نمود. در این اکسیون، سیاست های ارتجاعی و ضد کارگری جمهوری اسلامی محکوم گردید. فعالین سازمان در ونکوور، با در دست داشتن پلاکاردهایی از مبارزات و مطالبات کارگران، به ویژه اعتصاب کارگران شرکت واحد، حمایت نمودند و خواهان آزادی تمام دستگیر شدگان شدند. تعدادی اعلامیه به زبان انگلیسی نیز در میان مردم کانادا پخش شد.

از صفحه ۲

اخباری از ایران

تجمع و اعتراضات خویش ادامه دهند. طی چند سال گذشته پیرو سیاست خصوصی سازی تعداد زیادی از کارخانه های ایران و بویژه در منطقه گیلان تعطیل یا نیمه تعطیل شده اند و کارگران بسیاری بیکار و بلا تکلیف شدند؛ ما کارگران باید بدانیم که تنها با اتحاد و مبارزه یک پارچه ی خویش و پیوستن آن مبارزات به یکدیگر می توان به حقوق حقه ی خویش نائل آیم».

اخبار اعتراضات کارگری

در هفته های اخیر اعتراضات کارگری از شدت کم سابقه ای برخوردار بود. هم چنین تجمعات اعتراضی گسترده ای از سوی دانشجویان، معلمان و سایر زحمتکشان در هفته های اخیر صورت گرفته است. در ذیل اخبار بخشی از اعتراضات کارگری آمده است:

اعتراض کارگران اهراجی "بلر"

جمعی از کارگران اهراجی کارخانه "بلر" در مقابل مجلس حکومت اسلامی تجمع کردند. این کارگران به بهانه ی طرح بازسازی و نوسازی صنایع و با ۲۵ سال سابقه کار اخراج شده اند. کارگران فوق حق و

حقوق خود را از کارفرما نگرفته و بیمه بیکاری نیز دریافت نمی کنند.

تجمع اعتراضی کارگران نساجی غرب کرمانشاه

کارگران کارخانه "نساجی غرب" کرمانشاه در اعتراض به عدم دریافت ۳ ماه حقوق و عدم راه اندازی مجدد کارخانه در مقابل استانداری کرمانشاه تجمع کردند.

تجمع اعتراضی کارگران "لوله پروفیل"

کارگران کارخانه لوله پروفیل کرمان در اعتراض به عدم دریافت حقوق معوقه خود، روز ۲۶ آذر در مقابل استانداری کرمان تجمع کردند. این کارخانه مدت ۸ ماه است که از سوی کارفرما تعطیل اعلام شده و کارفرما پاسخگوی حقوق معوقه کارگران نیست.

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه نساجی "جنوب" یزد کارگران کارخانه "جنوب یزد" روز ۲۸ آذر با تجمع در مقابل استانداری یزد به عدم دریافت ۱۰ ماه حقوق معوقه خود اعتراض کردند. کارخانه فوق به عنوان ورشکستگی تعطیل اعلام شده و کارگران در حالی که بیکار شده اند، از دریافت حقوق بیکاری نیز محروم هستند.

کارگران در روز ۵ و ۱۲ دی نیز با تجمع در مقابل استانداری اعتراضات خود را ادامه دادند. قرار است کارگران هفته ای یک بار و تا رسیدن به خواسته های خود تجمع اعتراضی خود را در مقابل استانداری

تکرار کنند.

تجمع کارگران اهراجی "پارسیلون"

۷۰ کارگر اهراجی "پارسیلون" خرم آباد، در اعتراض به اخراج خود و قراردادهای موقت و نبودن امنیت شغلی روز ۲۹ آذر در مقابل اداره کار لرستان تجمع کردند. در حالی که کارگران فوق بین ۷ تا ۱۲ سال سابقه کار در این شرکت دارند، کارفرما به بهانه ی موقت بودن قرارداد آن ها، کارگران را اخراج کرده است.

کارگران اهراجی پارسیلون هم چنین روز ۵ دی به همراه اعضای خانواده، در مقابل استانداری تجمع کردند.

اعتصاب کارگران "چینی حمید"

۶۰۰ کارگر کارخانه چینی حمید در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایای خود دست به اعتصاب زدند. به دنبال این اعتصاب، جمعی از کارگران روز ۲۹ آذر در مقابل استانداری تجمع کردند.

تجمع اعتراضی کارکنان بیمارستان "رسول اکرم" کارکنان و پرستاران بیمارستان "رسول اکرم" روز ۳۰ آذر و در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خود در مقابل دفتر رییس بیمارستان تجمع کردند. طی ۵ ماه گذشته، اضافه کار و حق کشیک کارکنان و پرستاران پرداخت نشده است.

خلاصه ای از اطلاعیه ها و بیانیه های سازمان

اخباری از ایران

اعتصاب کارگران لاستیک سازی "البرز"

کارگران کارخانه لاستیک سازی البرز از روز سه شنبه ۲۹ آذر تا یکشنبه ۴ دی در اعتراض به تعویق ۷۵ روزه ی حقوق خود دست به اعتصاب زدند. این کارخانه ۱۳۰۰ کارگر دارد.

تجمع کارگران اخراجی "ایران صدر"

۱۱۰ کارگر اخراجی شرکت "ایران صدر" با گذشت نزدیک به دو هفته، به اعتراضات خود در مقابل استانداری بوشهر ادامه می دهند. کارگران فوق به دلیل موقت بودن قرارداد از سوی کارفرما اخراج شده اند. یکی از کارگران جوشکار در رابطه با شرایط کاری در این شرکت می گوید: «در حالی که جوشکاری آرگون و لوله جزو کارهای سخت و زیان آور است، اما ما مجبور بودیم روزی ۱۲ ساعت کار کنیم و تعطیلات رسمی نیز سرکار حاضر شویم، در حالی که حقوق و مزایای هشت ساعت کار به ما پرداخت می شد». کارفرمای شرکت قرارداد کارگران را سه ماهه تنظیم می کند و در یکی از بندهای آن نیز آمده که کارگر هیچ گونه مطالبه و حق سنواتی ندارد و در صورتی که کارگران امضا نکنند، اخراج می شوند.

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه "سیمان سفید" ارومیه

جمعی از کارگران کارخانه سیمان سفید ارومیه که به دلیل موقت بودن قراردادهای خود از کار اخراج شده اند در مقابل وزارت کشور تجمع کردند. برخی از این کارگران دارای ۱۰ سال سابقه کار در این کارخانه هستند.

تجمع اعتراضی کارگران "بوژان" لرستان

کارگران کارخانه یخچال سازی "بوژان" لرستان روز ۸ دی و برای دومین بار در طول هفته در مقابل استانداری لرستان تجمع کردند. کارگران به عدم پرداخت حقوق و بلا تکلیفی خود اعتراض دارند. از دی ماه سال ۸۲ که کارخانه به بخش خصوصی واگذار شد، کارگران حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند و اکنون یک سال است که کارخانه تعطیل شده است.

هم چنین در روزهای بعد نیز جمعی از کارگران فوق با همراه حمل پلاکاردهایی به تجمع خود در مقابل استانداری به صورت متوالی ادامه دادند.

تجمع اعتراضی کارگران "سیوان راهساز"

کارگران "سیوان راهساز" در استان آذربایجان غربی در اعتراض به عدم دریافت حقوق خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

اعتراض کارگران "شیشه میرال"

کارگران کارخانه "شیشه میرال" در اعتراض به عدم دریافت ۱۰ ماه حقوق معوقه خود، روز ۱۰ دی با اجتماع در مقابل این شرکت اقدام به آتش زدن لاستیک و بستن جاده ساوه کردند.

کارفرمای کارخانه متشکل از صندوق تعاون بسیج شاه عبدالعظیم و یکی از تجار بازار میل یافت آباد، با توجه به این که کارخانه در میان بازار میل یافت آباد قرار گرفته می خواهند با تعطیلی کارخانه از ارزش تجاری زمین فوق بهره برداری کنند. تاکنون اعتراضات متعدد کارگران شیشه میرال نتیجه ای در بر نداشته و کارفرما از پرداخت حقوق کارگران سرباز می زند.

"موج اعتراضات کارگری در نقاط مختلف ایران" عنوان اطلاعیه ۲۸ آذر ماه سازمان است.

اطلاعیه، خبر از موجی از اعتراضات کارگری به علت نپرداختن دستمزد و بیکارسازی در طی دو روز داده است. از ۱۰ حرکت اعتراضی کارگری، در این اطلاعیه نام برده شده است.

کارگران "فرخ و مه نخ" که شش ماه است دستمزد خود را دریافت نکرده اند، در مقابل استانداری تجمع نمودند. صدها کارگر "صنایع پوشش گیلان" جاده اصلی رشت- انزلی را بستند. کارگران "صنایع دریایی ایران صدر" در محل اداره کار استان بوشهر تجمع کردند و خواهان بازگشت به کار ۱۱۰ تن از کارگران اخراجی شدند.

اطلاعیه می افزاید روز گذشته ۲۷ آذر ماه نیز کارگران شرکت "برک" که ۱۱ ماه است حقوق خود را دریافت نکرده اند از رشت به تهران آمدند و مقابل بانک سامان که محل کار سهام دار عمده شرکت است، تجمع نمودند. کارگران شرکت "صنایع فرش راوند" کاشان، جاده کاشان- قم را با آتش زدن لاستیک بستند و خواهان پرداخت ده ماه حقوق و مزایای معوقه خود شدند.

اطلاعیه همچنین به اعتراض کارگران اخراجی معدن زغال سنگ "تخت" به همراه خانواده هایشان اشاره دارد. اطلاعیه سازمان در پایان بر حمایت از مطالبات برحق کارگران و رسیدگی فوری به خواست های آنها تاکید می کند.

"بازداشت فعالین سندیکای شرکت واحد را محکوم می کنیم و خواهان آزادی فوری آنها هستیم" عنوان اطلاعیه دیگری است که در اول دی ماه انتشار یافت

در این اطلاعیه آمده است: دستگاه قضایی جمهوری اسلامی صبح امروز اول دی ماه، ۸ تن از فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه را به اتهام تشکیل سندیکا و برپایی اعتصاب دستگیر و روانه زندان کرد. این اقدام ضد کارگری جمهوری اسلامی که در پی صدور احکام زندان و تبعید برای فعالین کارگری شرکت کننده در جشن اول ماه مه سقر صورت می گیرد، حاکی از تشدید اقدامات سرکوبگرانه علیه کارگران است.

در بخش دیگری از این اطلاعیه سازمان، بر غیرداده کارگران به تداوم مبارزه و تلاش برای ایجاد تشکل های مستقل از دولت تاکید شده و آمده است که کارگران، بیش از پیش به این حقیقت آگاه شده اند که هیچگونه توهمی به نهادها و ارگانهای قانون رژیم نداشته باشند. در این اطلاعیه بار دیگر بر اهمیت تشکیل کمیته های مخفی کارخانه برای پیشبرد مبارزه اقتصادی و سیاسی کارگران تاکید شده است.

در پایان این اطلاعیه، سازمان ما، بازداشت فعالین سندیکای شرکت واحد را قویا محکوم کرده است و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط بازداشت شدگان گردیده است.

در تاریخ ۴ دی ماه، اطلاعیه ای تحت عنوان "اعتصاب قهرمانانه رانندگان و کارکنان فنی شرکت واحد تهران و حومه" انتشار یافت.

در این اطلاعیه، خبر از اعتصاب کارگران شرکت واحد، در اعتراض به دستگیری اعضای هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد و دیگر مطالبات آنها داده شده است.

اطلاعیه می افزاید که با این اعتصاب، خیابانهای اصلی و مرکزی شهر تهران با ترافیک سنگینی روبرو شد و نیروی انتظامی رژیم که از قبل آماده بود در مناطق مهم شهر مستقر شدند.

اطلاعیه با تاکید بر اهمیت این اعتصاب در شرایطی که رژیم به تشدید سرکوب و اختناق روی آورده است، می گوید، اعتصاب قهرمانانه رانندگان و کارکنان شرکت واحد با خواست آزادی فعالان سندیکایی نشان می دهد که کارگران مصمم اند به نیروی خود در مقابل سرمایه داران و دولت آنها بایستند.

در پایان این اطلاعیه سازمان ما قاطعانه از این اعتصاب حمایت کرده است، خواهان آزادی فوری دستگیرشدگان گردیده است و از فعالین سازمان و همه نیروهای مدافع طبقه کارگر خواسته است که با هر وسیله ممکن صدای رسای این مبارزه باشند.

کمیته خارج از کشور سازمان ما در تاریخ ۵ دی ماه "فراخوان به حمایت از مبارزات کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی" را صادر کرد.

در این فراخوان با اشاره به دستگیری اعضای هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد و اعتصاب کارگران شرکت واحد، گفته شده است، ما از اعتصاب کارکنان شرکت واحد حمایت می کنیم و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی بازداشت شدگان و احقاق حقوق کارگران هستیم.

در این فراخوان، اعلام شده است که کمیته خارج از کشور سازمان در روزهای آینده در حمایت از مبارزات کارگران و اعتراض به سرکوب های رژیم، آکسیونهایی در کشورهای مختلف برگزار خواهد کرد و از همه نیروهای سوسیالیست دعوت شده است در این آکسیون های اعتراضی شرکت کنند.

تجمع اعتراضی کارگران "پوشینه بافت" قزوین

روز ۱۲ دی کارگران کارخانه نساجی پوشینه بافت، به دنبال قول کارفرما مبنی بر پرداخت حقوق معوقه شان به کارخانه مراجعه کردند. اما وقتی کارگران با دروغ کارفرما روبرو شدند، از محل کارخانه تا سه راه شهر صنعتی البرز راهپیمایی کرده و در نهایت جاده اصلی شهر صنعتی البرز به قزوین را بستند.

- هم چنین روز ۲۹ آذر، کارگران کارخانه "پوشینه بافت" قزوین در مقابل ساختمان وزارت صنایع و معادن تجمع اعتراضی برگزار کرده بودند. کارگران پوشینه بافت حقوق بیش از هفت ماه خود را طلبکارند و دو سال مزایا و سه سال عیدی و پاداش نگرفته اند. کارفرمای کارخانه هم چنین مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان از صندوق حساب کارگران (صندوق قرض الحسنه) برداشت کرده است.

تجمع اعتراضی کارگران "قند نور سپاهان"

کارگران کارخانه "قند نور سپاهان" روز ۸ دی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود در مقابل فرمانداری برخوردارمیه تجمع کردند. در پی تجمع کارگران، کارفرما پذیرفت یک ماه از حقوق کارگران را پرداخت کرده و دو ماه دیگر را نیز در آینده ی نزدیک پرداخت کند.

تجمع اعتراضی کارگران "صندوق نسوز کاوه"

روز ۱۰ دی، کارگران کارخانه "صندوق نسوز کاوه" با تجمع در مقابل اداره کار استان تهران به عدم پرداخت شش ماه حقوق و مزایای عقب افتاده خود اعتراض کردند. کارگران در حالی از دریافت حقوق خود محروم هستند که کارفرما بابت فروش تولیدات صورت گرفته توسط کارگران کارخانه در شش ماه گذشته، بیش از ۴۵۰ میلیون تومان در آمد داشته است.

نگاهی به ابلاغیه ی اخیر دولت به سازمان «صدا و سیما» و چرایی آن

واقع برنامه ها و سیاست های طبقه ی حاکم یافته اند و این نقش در کشور ایران که رادیو و تلویزیون در انحصار حاکمیت قرار دارد، از اهمیت بیشتری برخوردار است. تلویزیون بزرگترین مخاطب را در ایران دارد و بیشتر از هر رسانه ی دیگری می تواند در کارزار تبلیغی جمهوری اسلامی به مدد آن بیاید.

در سال های حکومت اسلامی، "سازمان صدا و سیما" با سانسور، تحریف، جعل و شانتاژ خیری، تمامی تلاش خود را جهت القای سیاست های حاکمان به کار بست و ابلاغیه اخیر بر این امر تاکید داشته و بر آن مهر تایید می زند. در عین حال ابلاغیه پاسخی است به شرایط کنونی، شرایطی که چشم انداز آن تشدید مبارزه ی طبقاتی، تشدید بحران در بالا (علی رغم به ظاهر یک کاسه شدن آن) و بحران در روابط خارجی حکومت اسلامی است.

در این ابلاغیه، احمدی نژاد خواستار تشدید سانسور و جعل اخبار از سوی این سازمان شده است. در بند هفتم این ابلاغیه آمده است: «ضروری است مقابله موثر و هوشمندانه تر با ابعاد گسترده تهاجم فرهنگی مورد توجه برنامه ریزان و تهیه کنندگان برنامه های شبکه ها قرار گیرد... توجه حرفه ای سازمان بر گردش باز و در عین حال هدایت شده اطلاعات و اخبار و انعکاس مدبرانه دیدگاه ها و تحلیل های مختلف به منظور تنویر افکار و خنثی سازی جریان های نامطلوب اطلاع رسانی خارجی و شایعات داخلی». در واقع هدف از اختراع چیزی به نام "تهاجم فرهنگی"!! و یا "گردش باز و در عین حال هدایت شده اطلاعات و اخبار"!! چیزی جز مقابله با گردش به راستی آزاد اطلاعات و اخبار نیست.

آخر چگونه این اخبار بی زبان می توانند هم "گردش باز" داشته باشند و هم "هدایت شده باشند" و این همه از برکات نظام جمهوری اسلامی است!!

اما وظیفه این سازمان تنها خبرسازی نیست. "صدا و سیما" وظیفه دارد در کنار این روش خبری، دست به عوام فریبی بزند و افکار منحط و مرتجعانه حاکمیت اسلامی را تبلیغ کند. "صدا و سیما" وظیفه دارد در پوشش تولید برنامه های فاقد محتوا و عوامانه، اهداف حکومت را پیش ببرد.

و در حالی که کارگران و زحمتکشان مجبور به پرداخت آبونمان صدا و سیما هستند، این پول ها توسط صدا و سیما علیه آن ها استفاده می شود و کارگران و زحمتکشان هیچ صدایی در این سازمان نمی یابند. رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی، رادیو و تلویزیون سرمایه داران و حاکمان است و وظیفه ای جز تحمیل توده ها و عوام فریبی و ریاکاری بر عهده ندارد. با نگاهی به تولیدات و برنامه های این سازمان می توان دید که چگونه این سازمان از رذیلانه ترین روش ها در جهت طولانی تر کردن حکومت سرمایه داران و جانپان استفاده می کند.

در ادامه ی این ابلاغیه می خوانیم: «سازمان صدا و سیما هم چنین باید از این پس با هدف تقویت هویت دینی... نکات آموزشی و تربیتی را به طور غیر مستقیم، جاذب و غیر تصنعی در برنامه های تفریحی و سرگرم کننده بگنجد و بر رعایت احکام شرعی و آداب اسلامی تاکید ورزد». در این ابلاغیه، حتا کودکان و نوجوانان نیز از فشار عقیدتی و ایدئولوژیک در امان نمی مانند. در این رابطه در ابلاغیه بر "بهره گیری سازمان صدا و سیما از الگوی اخلاقی و تربیتی مبتنی بر آداب دینی در برنامه های کودکان و نوجوانان" تاکید شده است.

هم چنین "سازمان صدا و سیما" در این ابلاغیه "موظف به راه اندازی یک شبکه بین المللی معارف اسلامی" شده است. در واقع ابلاغیه ی فوق بر هر چه ایدئولوژیک تر شدن برنامه های صدا و سیما تاکید ویژه ای دارد. این ابلاغیه خواستار "نظارت محتوایی بر فیلم های سینمایی و سریال ها، مبتنی بر هنجارسازی و تعیین معیار" شده و از برخی برنامه های آن چنین انتقاد کرده است: «بخشی از فرهنگ سازی های سازمان صدا و سیما در حوزه روابط خصوصی و اجتماعی به کاهش حساسیت های جامعه در رعایت حدود مسائل شرعی و ترویج گناه دامن زده است».

"سازمان صدا و سیما" ی جمهوری اسلامی ارگان تحمیل توده هاست. جمهوری اسلامی تلاش دارد تا با استفاده از رسانه ها و در راس آن تلویزیون، با ترویج تفکرات متحجرانه و خرافات و در راستای مقابله با بحران سیاسی و اجتماعی و سرکوب مبارزه ی طبقاتی از سویی از میان غیب مانده ترین اقشار جامعه از نظر فرهنگی دست به سرپازگیری بزند و از سوی دیگر با سیل امکانات نوین خبری و سیر گردش آزاد اطلاعات و اخبار مقابله کند.

ابلاغیه اخیر اگر چه شاید در نظر اول یک ابلاغیه ی معمولی اداری به نظر آید، اما به واقع در ادامه ی سیاست هایی است که از بدو روی کار آمدن کابینه نظامی - امنیتی احمدی نژاد جهت محدود کردن هر چه بیشتر آزادی ها و سرکوب مبارزات اجتماعی و سیاسی در پیش گرفته شده است. ابلاغیه ای که با تاکید بر هر چه ایدئولوژیک کردن برنامه های "صدا و سیما" و همسویی هر چه بیشتر خبری با برنامه های دولت، کارآمدی هر چه بیشتر این سازمان جهت مقابله با بحران حاکم بر جامعه را مد نظر دارد. تلاش برای گردش آزاد اطلاعات و اخبار و مبارزه برای آن، افشای عوام فریبی های حکومت و بیان علل اصلی بحران های اجتماعی هم چون اعتیاد، فحشا، خودکشی، بحران ها و معضلات روانی به ویژه در نسل جوان ... ، فقر و فاصله ی طبقاتی موجود در جامعه، در کنار تشریح راه های مبارزه با این بحران ها و راه حل آن ها، این ابزار حکومت اسلامی را بیش از پیش به ابزار ژاژخواهی حاکمان تبدیل خواهد کرد.

چهارمین سمپوزیوم بین المللی علیه زندان های انفرادی

چهارمین سمپوزیوم بین المللی علیه زندان های انفرادی از ۱۶ تا ۱۹ دسامبر (۲۵ تا ۲۸ دی) در پاریس برگزار شد. «پلتفرم بین المللی علیه زندان انفرادی»، برگزارکننده ی این سمپوزیوم بود و در برنامه اش آشنایی شرکت کنندگان را با زندان های ویژه گوانتانامو و ابوغریب یا باگرام در افغانستان و زندان های نوع F در ترکیه، همچنین زندان های موسوم به Control Unites در آمریکا، Stammheim در آلمان و Quartier d'isolement در فرانسه منظور کرده بود.

در بخشی از سمپوزیوم از «جنگ با تروریسم» به عنوان بهانه ای برای مقابله با مبارزات اجتماعی و تجاوز به حقوق بین المللی سخن رفت و به ضرورت مبارزه ی جهانی علیه شکنجه اشاره شد. برگزارکنندگان و شرکت کنندگان در سمپوزیوم که شامل نمایندگانی از سی و هفت کشور جهان و از جمله ایران با نماینده ای از سازمان فدائیان (اقلیت) بودند همچنین همبستگی خود را با مبارزاتی که در گوشه و کنار جهان علیه استبداد و اختناق جریان دارد، اعلام نمودند. ریاست افتخاری چهارمین سمپوزیوم بین المللی علیه زندان های انفرادی به عهده ی احمد بن بلا، نخستین رئیس جمهور الجزایر پس از پیروزی مردم این کشور علیه استعمارگران فرانسوی بود و چهره هایی مانند آنجلا دیویس، فمینیست آمریکایی در آن شرکت داشته و به سخنرانی پرداختند.

مراسم پایانی سمپوزیوم عصر ۱۹ دسامبر و به صورت نمادین در کنار دیوار کموناردها در گورستان پرلاشز پاریس برگزار شد و حاضران پس از شنیدن چند سخنرانی کوتاه، به گلباران این دیوار پرداختند.

سازمان ما به دعوت برگزارکنندگان در این سمپوزیوم شرکت داشت و نماینده اش با یکی از مسئولان سمپوزیوم دیدار و گفت و گو کرد و اطلاعاتی در رابطه با مبارزات جاری مردم ایران و مسئله زندان در رژیم جمهوری اسلامی در اختیار وی گذاشت.

از صفحه ۳

یکه تازی حزب بی نام و ...

می تواند از اتکای بر یک پشتوانه ی قوی نشأت گرفته باشد، مستقل از این پرسش ها و انتقادات و بخشا بی اعتنا به آن، سرگرم یکه تازی است و همچنان به پیشروی ادامه می دهد. روشن است که این یکه تازی و پیشروی، به تضادها و اختلافات درونی رژیم بیش از پیش دامن خواهد زد و نمی تواند در طولانی مدت ادامه دار باشد. این که اما این یکه تازی و پیشروی حزب بی نام و نشان رئیس جمهور دقیقا تا کی و تا کجا قابل دوام است؟ این سئوالی ست که رویدادهای آینده به آن پاسخ خواهند داد.

دستگاهی که سر تا پا غرق در فساد است

بلافاصله می افزاید: "ولی من این اطمینان را می دهم که سلامت اقتصادی بر مدیران نظام حاکم است. اگر چه ضعف مدیریتی در بین مدیران وجود دارد، اما فساد مالی آنها فراگیر نیست." سرپرست مجمع قضائی رژیم، همچنین به پرونده های دیگری از سوء استفاده های مالی اشاره کرد که در حال رسیدگی هستند. از جمله وی به سوء استفاده مالی در بانک رفاه کارگران به میزان ۲۰۰ میلیارد تومان و پرونده فرودگاه پیام اشاره کرد.

هم زمان با این اظهارات سرپرست مجمع قضائی، روزنامه های رژیم، خبر از تشکیل دادگاه رسیدگی به پرونده متهمان شرکت نفتی اورینتال کیش اوپل منتشر ساختند. این شرکت نفتی ظاهراً متعلق به بخش خصوصی است، اما این سرمایه داران بخش خصوصی که در عین حال از مقامات حکومت اسلامی هستند متهم اند از طریق زد و بند با وزارت نفت و پرداخت رشوه های کلان به مقامات این وزارت خانه، چند فاز طرح پارس جنوبی را در اختیار گرفته اند و سودهای کلانی به جیب زده اند. در رأس اورینتال کیش اوپل، سیروس ناصری، یکی از اعضای ارشد هیئت جمهوری اسلامی در مذاکرات مربوط به پرونده هسته ای قرار دارد که گفته می شود اکنون متواری است و در خارج از کشور به سر می برد. آنچه تاکنون از رشوه های این پرونده برملا شده است، رشوه متجاوز از نیم میلیون دلار و صدها میلیون تومان از جانب ناصری به مقامات وزارت نفت است. همچنین دریافت رشوه های کلان از شرکت های نفتی خارجی در ازای واگذاری طرح ها و امتیازات به آنهاست. در این پرونده بار دیگر روشن شده است که مقامات حکومت اسلامی رد و بدل کردن رشوه های کلان را از طریق شماره حساب های بانکی خود در سوئیس و دوی انجام می دهند و حتی برای این که از چشم همگان پوشیده بماند، این حساب های بانکی را به نام همسر یا اقوام خود باز کرده اند. چنان چه در ماجرای این پرونده، مبلغ نیم میلیون دلار از حساب بانکی ناصری در سوئیس به حساب همسر یکی از مقامات وزارت نفت در دوی واریز شده است.

سایت بازتاب و ابسته به پاسدار رضائی نیز که از اخبار پشت پرده رژیم مطلع است، گزارشاتی از پرونده های دیگر، انتشار داده است. یکی از این گزارشات، به واگذاری ۴۰ هزار تن شکر توسط یکی از مدیران اصلی صنعت شکر کشور به ارزش ۲۰ میلیارد تومان، به بهای ۵۰ تومان زیر قیمت فروش به شخص مجهول الهویه ای به نام سلطان شکر اختصاص یافته است. این سرمایه دار از طریق زد و بند و پرداخت رشوه به مقامات دولتی، چنان ثروتی اندوخته که اکنون سر به یک تریلیون تومان می زند.

در قیاس با این پرونده های سوء استفاده های مالی و رشوه های چند میلیاردی، پرونده های

دیگری از جمله فروش سئوالات کنکور به هر داوطلب متمول به بهای ۳۰ میلیون تومان، توسط مقامات سازمان سنجش، ناچیز و کوچک جلوه می کنند. از این نمونه ها فراوان است. اما هدف رژیم از اعلام نمونه های فوق الذکر از سوء استفاده های مالی و فساد دستگاه دولتی چیست؟ هدف رژیم، صرفاً تبلیغاتی و سیاسی است. فساد مالی، رشوه، دزدی، سوء استفاده های کلان مالی، تمام دستگاه دولتی را فراگرفته است و اساساً جزء لاینفک حکومت اسلامی است. بنابراین جمهوری اسلامی نه می تواند و نه می خواهد با این فساد فراگیر مبارزه کند.

اصولاً در نظام سرمایه داری که سرمایه، ثروت و سود حاکمیت دارد، دستگاه دولتی به ویژه نظام اداری- بوروکراتیک آن، غرق در فساد و اختلاس، دزدی، سوء استفاده مالی و رشوه گیری است. تنها، ابعاد این فساد دستگاه بوروکراتیک، در نظام های سیاسی مختلف، متفاوت است و شدت و ضعف دارد. در کشورهایی نظیر ایران که استبداد و اختناق حاکم است و توده مردم از آزادی های سیاسی محروم اند، حتی از کنترل بوروکراتیکی که در دموکراسی های پارلمانی بورژوازی وجود دارد، خبری نیست، این فساد دستگاه دولتی در نهایت خود قرار دارد. در دوران نظام سلطنتی چنین بود و در دوران جمهوری اسلامی نیز چنین است.

این فساد دستگاه دولتی در اینجا چنان عریان و همه گیر است که ناگاه ترین مردم نیز از آن آگاه اند. فشارهای متعددی که این فساد همه جانبه دستگاه دولتی بر توده مردم وارد می آورد، بر تقابل و رودررویی آنها با این دستگاه می افزاید. از این رو، هرگاه بحران های جدی در کشور بروز می کند، طبقه حاکم به منظور فریب توده مردم و آرام کردن آنها سرو صدای مبارزه با فساد را به راه می اندازد و حتی تعدادی از مهره های خود را نیز قربانی می کند. در اواخر دوران حکومت سلطنتی در ایران، این پدیده را دیدیم و اکنون نیز جمهوری اسلامی همین هدف را تعقیب می کند.

اما در دوران جمهوری اسلامی، به ویژه در مرحله کنونی مسئله دیگری نیز در این میان مطرح است و آن تسویه حساب های جناحی و گروهی در درون رژیم است. جناحی که اکنون بر سر کار است از حربه به اصطلاح مبارزه با فساد برای تسویه حساب با جناح موسوم به اصلاح طلب و مرعوب ساختن آنها بهره می گیرد. این جناح، اکنون با رو کردن پرونده های فساد مالی گروهی از مدیران و وابستگان جناح رقیب، می خواهد به آنها بفهماند که اگر بخواهند رودررویی کنند، پرونده های دیگری را به جریان خواهند انداخت. این واقعیت را هم اکنون می توان از دعوی زرگری آنها بر سر اعلام اسامی افرادی که محکوم شده اند دریافت. در حالی که جناح موسوم به اصلاح طلب این اعلام

در صفحه ۴



برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

آلمان
K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

دانمارک
I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

هلند
Postbus 23135
1100 DP
Amsterdam Z.O
Holland

کانادا
K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7 Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.

I. W. A
6932641 Postbank
HOLLAND

شماره های فکس ۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹
سازمان فداییان ۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲
(اقلیت) ۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

تلفن روابط عمومی سازمان فدائیان (اقلیت):

۰۰۴۹-۱۷۶-۲۸۰۲۰۸۹۷

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)
No 468 januari 2006

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی